

کاجستان

درس پانزدهم





۱ با حروف در هم ریخته‌ی هر ردیف، یک واژه بسازید.

ای ه ت ز انتازیانه.....
گ ر ذ ن ا ر هرهگذران.....
ح ل م تتحمل.....

۲ از روی بیت‌هایی که کلمه‌های زیر در آنها به کار رفته، یک بار بنویسید.

تأمل	گفت: ای آشنا، ببخش مرا..... خوب در حالی من تامل کن.....
اتفاق	شاید این اتفاق هم روزی..... ناگهان از برای من افتاد.....
خطوط	در کنار خطوط سیم پیام..... خارج از ده دو کاج رویدند.....

۳ در هر یک از جمله‌های زیر، واژه‌ی «چون» به چه معنی است؟

- مادران چون گل‌های باغ بهشتند. ← چون یعنی: **مانند، شبیه، مثل**.....
- مسافرت را دوست دارم چون چیزهای جدید می‌آموزم. ← **زیرا**.....
- دانه‌های شب‌نم چون مرواریدهای غلتان روی برگ‌ها نشسته بودند. ← **مانند، مثل، شبیه**.....
- چون صدای دریا آرامش‌بخش بود، ساعت‌ها کنار آن می‌نشست. ← **به دلیل اینکه / برای اینکه**.....



۱ با توجه به شعر درس، به پرسش‌های جدول زیر، پاسخ دهید.

نام داستان : کاجستان

شخصیت‌های داستان: **دو کاج، رهگذران، باد، ابر.**

داستان در چه محلی اتفاق افتاده است؟ **در کنار خطوط سیم پیام، خارج از ده.**

داستان در چه زمانی رخ داده بود؟ **یکی از روزهای پاییزی.**

نظر شما درباره‌ی کاج همسایه چیست؟ **یک دوست واقعی که در بدترین شرایط همسایه خود.**

را رها نکرد و به کمک او شتافت.

۲ با جابه‌جا کردن اجزای جمله، بیت‌های زیر را مانند نمونه، به زبان ساده بازگردانید.

شعر	باز می‌پچید میان خانه‌ها	بوی اسفند و گلاب و بوی عود
بازگردانی	باز بوی اسفند و گلاب و بوی عود میان خانه‌ها می‌پچید.	
شعر	می‌رسد فصل بهاری جاودان	فصلی از عطر و گل و شعر و سرود
بازگردانی	فصل بهاری جاودان، فصلی از عطر و گل و شعر و سرود می‌رسد	
شعر	کاج همسایه گفت با نرمی:	دوستی را نمی‌برم از یاد
بازگردانی	کاج همسایه با نرمی گفت: دوستی را از یاد نمی‌برم	

قصه‌ی شعر «کاجستان» را به نثر ساده بنویسید. 

موضوع: دوستان حقیقی

دو کاج خارج از ده روییده بودند. ابرارن و مردم این دو کاج را دوستان قدیمی می‌دانستند. در یکی

از روزهای پاییزی یکی از کاج‌ها بر اثر رگبار و باد بر روی کاج دیگری افتاد. کاج آسیب دیده خیلی

ناراحت بود به همین دلیل از دوستش عذر خواهی کرد.


اما کاج همسایه با مهربانی تمام به او گفت که با هم دوست هستند و امکان دارد روزی این اتفاق برای


او هم بیفتد. باد که این حرف‌ها را شنید آرام شد و با مهربانی وزید. بعد از مدتی کاج حالش خوب


شد. با جوانه زدن میوه‌های درخت کاج و بارش باران، آن‌جا به کاجستانی زیبا تبدیل شد که دوستی


را به یاد می‌آورد

توجه:

 برای داستان، شروع و پایان مناسبی بنویسید.

 با استفاده از تخیل، بر جذابیت داستان بیفزایید.

 نام مناسبی برای داستان، انتخاب کنید.

 از نشانه‌های مناسب نگارشی، استفاده کنید.



۱ از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.

نام نیکوگر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زرنگار

نام نیک رنگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت ماندگار

سعدی

۲ در جاهای خالی کلمه‌هایی بنویسید که درباره‌ی اسم قبل از خود توضیح دهند.

۱ باد تندی بر صحرامی وزید و خار و خاشاک را با خود به هر سوی برد. راه طولانی... بچه شیر را خسته... و بی رمق کرده بود.

۲ غذای خوش طعم... مادرم را خورده بودم و توی رختخواب نرم... خوابیده بودم.

۳ تهِ نهر پر از سنگریزه بود و لابه‌لای سنگریزه‌ها پر از ماهی‌های قرمز... و ... کوچک... و ... شیطون... بود.

۴ پیرزن مهربان... و خوش رو... بود.



۳ پاسخ هر سؤال را در خانه‌های خود بنویسید و رمز جدول را پیدا کنید.

۱ بوی خوشی دارد. ۲ به معنی دستور است. ۳ ناپسند است. ۴ پلی رنگی در آسمان ۵ دارای اعتبار و بها ۶ دلیری ۷ عکس را در آن می‌گذارند.

			ر	ط	ع	← ۱		
		ن	ا	م *	ر	ف	← ۲	
	ه	د	ی	ه	و	ک	ن *	← ۳
ن	ا	م *	ک	ن	ی	گ	ن	ر ← ۴
	د	ن	م *	ش	ز *	ر	ا *	← ۵
		ت	ع	ا *	ج	ش	← ۶	
			ب	ا *	ق	← ۷		

رمز جدول: حروف ستاره‌دار را طوری کنار هم قرار دهید تا رمز جدول به دست آید.

امام زمان

